**نهی از غیبت**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " قد حرّم عليکم القتل والزّنا ثمّ الغِيبة والإفتراء اجتنبوا عمّا نهيتم عنه في الصّحائف والألواح " (كتاب اقدس – بند 19)

2 - " يا ابن الإنسان لا تَنَفَّسْ بخطأِ أحد ما دمت خاطئا وإن تفعل بغير ذلک ملعون أنت وأنا شاهد بذلک "

(کلمات مکنونه عربي، 27)

٣- " يا ابن الوجود لا تَنْسِبْ إلی نفس ما لا تُحِبُّهُ لنفسک ولا تَقُلْ ما لا تفعل هذا أمري عليک فاعمل به "

(کلمات مکنونه عربي، 29)

4 - " ای مهاجران لسان مخصوص ذکر من است بغيبت ميالائيد و اگر نفس ناری غلبه نمايد بذکر عيوب خود مشغول شويد نه بغيبت خلق من زيرا که هر کدام از شما بنفس خود ابصر و اعرفيد از نفوس عباد من " (کلمات مکنونه فارسي، 66)

5 - " غيبت را ضلالت شمرد و بآن عرصه هرگز قدم نگذارد زيرا غيبت سراج منير قلب را خاموش نمايد و حيات دل را بميراند "

(کتاب مستطاب ايقان)

6 - " در اين سنه که هزار و سيصد و شش است بخطّ مظلوم لوحی نازل و در آن اين کلمه عليا از افق اعلی اشرا ق نموده يَا قَوْمُ اذْکُرُوْا الْعِبَادَ بِالْخَيْرِ وَلَا تَذْکُرُوْهُمْ بِالسُّوْءِ وَمَا يَتَکَدَّرُ بِهِ أَنْفُسُهُمْ ذکر سوء هم دراين سنه نهی شده چه که لسان از برای ذکر حقّ است حيف است بغيبت بيالايد و يا بکلماتی تکلّم نمايد که سبب حزن عباد و تکدُّر است "

(گنجينه حدود و احکام ص 321)



**بیت العدل:**

1 - " جمال قدم در الواح عديده غيبت ، افتراء و عيب جوئی از ديگران را از اعمال ممنوعه محرّمه محسوب داشته ، چنانکه در کلمات مکنونه می فرمايند : يا ابن الوجود کيف نسيت عيوب نفسک و اشتغلت بعيوب عبادی من کان علی ذلک فعليه لعنة منّی . و نيز می فرمايند : يا ابن الانسان لا تنفّس بخطآء احد ما دمت خاطئاً و ان تفعل بغير ذلک ملعون انت و انا شاهد بذلک. در کتاب عهدی لسان عظمت به اين انذار شديد ناطق قوله الاحلی : به راستی می گويم لسان از برای ذکر خير است او را به گفتار زشت ميالائيد عفا اللّه عمّا سلف از بعد بايد کل بما ينبغی تکلّم نمايند از لعن و طعن و ما يتکدّر به الانسان اجتناب نمايند " (كتاب اقدس – شرح 37)

